

## مقاومت کوبانی، تجلی اراده‌ی خلق!

بیش از یک ماه است که شهر کوبانی در محاصره‌ی مزدوران "دولت اسلامی" (داعش سابق) قرار گرفته و مردم این شهر نیز دلیرانه به دفاع از هستی خویش برخاسته‌اند و با دست زدن به مبارزه‌ی مسلحانه‌ی توده‌ای، به مقابله با مزدوران "دولت اسلامی" پرداخته‌اند.

کوبانی شهری است گردنشین که در استان حلب در شمال سوریه واقع شده است. کردها بزرگ‌ترین اقلیت قومی در کشور سوریه هستند و همانند کردهای دیگر در سائر کشورها، همواره مورد ستم و سرکوب دولت مرکزی قرار داشته‌اند.

با آغاز جنگ میان اپوزیسیون دست‌ساز آمریکا و رژیم حاکم بر سوریه، کردهای سوریه نیز به مبارزات خود جهت دستیابی به حقوق اجتماعی و سیاسی خویش شدت بخشیدند و چند منطقه‌ی گردنشین را آزاد ساختند. اما در این میان مبارزین گرد مجبور بودند در دو جبهه بجنگند. از یک سو با نیروهای نظامی رژیم حاکم بر سوریه در جنگ بودند و از سوی دیگر باید با حملات گروه‌های اسلامی دست‌ساز آمریکا و اروپا مقابله می‌کردند.

دولت ضدخلقی سوریه به دلیل ضعف و ناتوانی در سرکوب مخالفان و با آگاهی به این که هدف مبارزات خلق گرد سوریه نهایتن کسب خودمختاری خواهد بود، ولی اپوزیسیون دست‌ساز آمریکا و اروپا خواستار سرنگونی رژیم حاکم بر سوریه هستند، در ژوئیه سال ۲۰۱۲ دولت سوریه نیروهای نظامی خود را از مناطق گردنشین در شمال این کشور خارج می‌سازد تا جبهه‌های‌اش را در مواجهه با گروه‌های اسلامی تقویت نماید.

پس از خروج نیروهای نظامی دولت سوریه از مناطق گردنشین، دو حزب قدرت‌مند کردستان سوریه قدرت سیاسی را در این مناطق به دست می‌گیرند:

حزب دموکرات کردستان سوریه (PKKS) که در سال ۱۹۵۷ به عنوان نخستین حزب سیاسی کردستان سوریه تأسیس گردیده است و رابطه‌ی نزدیکی با حزب دمکرات کردستان عراق دارد.

حزب اتحاد دموکراتیک (PYD) که در سال ۲۰۰۳ ایجاد گردیده است و به عنوان قوی‌ترین نیروی سیاسی در کردستان سوریه رابطه‌ی نزدیکی با حزب کارگران کردستان ترکیه دارد.

این احزاب با تصور این که در گیرودار حمله‌ی آمریکا به سوریه می‌توانند "حکومت اقلیم کردستان" را در سوریه ایجاد نمایند، در توافقی به تاریخ ۱۲ ژوئیه ۲۰۱۲ در شهر اربیل در کردستان عراق، ضمن اعلام خودمختاری کردستان سوریه، "شورای عالی گرد" را تأسیس می‌نمایند. براساس پیمان اربیل، مناطق گردنشین سوریه به سه منطقه تقسیم می‌شوند و هر منطقه شورای محلی خود را خواهد داشت و هر یک از این شوراها، نماینده‌گانی در "شورای عالی گرد" خواهند داشت.

"شورای عالی گرد" در دسامبر ۲۰۱۲ یک گروه نظامی به نام "یگان‌های مدافع خلق" (YPG) را به عنوان بازوی نظامی این شورا ایجاد می‌کند.

سال ۲۰۰۲ دولت آمریکا جهت کانالیزه کردن اعتراضات ضد آمریکائی مردم عراق، یک گروه بنیادگرای اسلامی به نام "جماعت توحید و جهاد" به رهبری ابومصعب زرقاوی شهروند اردنی، تشکیل می‌دهد و یک سال پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۴ این گروه را شاخه‌ی القاعده در عراق معرفی می‌کند.

سپس این گروه را با سائر گروه‌های بنیادگرای دیگر در عراق تلفیق کرده و گروه "دولت اسلامی عراق" را به رهبری ابوعمر البغدادی در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶ ایجاد می‌کند.

در سوریه، رقیب سرمایه‌های آمریکائی یعنی سرمایه‌های اتحادیه‌ی اروپا با ایجاد "ارتش آزاد سوریه" در مارس ۲۰۱۱ به دنبال سهم خویش پس از سرنگونی رژیم بشار اسد بسیج شده بودند. به همین خاطر در اواخر سال ۲۰۱۱ دولت آمریکا شبکه‌ی القاعده در سوریه را با نام "جبهه النصره" به فرمان‌دهی ابومحمد جولانی تشکیل می‌دهد.

با آغاز جنگ داخلی در سوریه، "دولت اسلامی عراق" وارد سوریه شده و در آن جا نیز فعال می‌شود. اتحادیه‌ی اروپا که در این مدت در "جبهه النصره" نفوذ کرده بود با ارسال سلاح برای آنان، "جبهه النصره" را تشویق به جنگ با "داعش" می‌کند و در مقابل این سیاست اتحادیه‌ی اروپا، دولت آمریکا در ۹ آوریل سال ۲۰۱۳ "جبهه النصره" را با "دولت اسلامی عراق" تلفیق کرده و با نام "دولت اسلامی عراق و شام" (داعش) به جهانیان معرفی می‌کند. دولت آمریکا تمام این فعالیت‌ها را به شکل حمایت‌های مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و آموزشی توسط رژیم‌های دست‌نشانده‌اش در عربستان و قطر و ترکیه به پیش می‌برد.

پس از این که در اوائل ژانویه ۲۰۱۴ اعتراضات مردم در شهرهای سنی‌نشین رمادی و فلوجه توسط دولت عراق سرکوب می‌شود، اشغال شهرهای عراق توسط "داعش" با حمله به این دو شهر آغاز می‌شود. سپس در ۱۴ ژانویه مزدوران "داعش" با کنترل کامل شهر رقه در شمال شرقی سوریه، اشغال شهرهای سوریه را آغاز می‌کنند.

مزدوران "داعش" با تصرف شهرهای جرابلس، الباب، الرقه، دیرالزور و البوكمال در سوریه و شهرهای القائم، الرمادی، الفلوجه، جولوا، السعديه، تکریت، بیجی، الحویجه و الموصل در عراق، تقریباً تمام مناطق شمال شرقی سوریه و مناطق شمال غربی عراق را تصرف می‌کنند.

از این جا به بعد امپریالیسم آمریکا نام "داعش" را به "دولت اسلامی" تغییر می‌دهد. این جریان مزدور و دست‌پرورده‌ی امپریالیسم، پس از تحویل گرفتن تسلیحات و مهمات شهر موصل از عوامل دولت آمریکا در ۱۰ ژوئن سال جاری، مناطق گردنشین در عراق و سوریه را نیز مورد تهاجم قرار داد. به خاطر ترس از وحشی‌گری این مزدوران، در طول ۲۴ ساعت بیش از ۶۰ هزار نفر از مردم کُردستان سوریه آواره‌ی بیابان‌های ترکیه می‌شوند.

مزدوران "دولت اسلامی" از روز دوم ژوئیه حمله‌ی همه‌جانبه‌ای را به سوی شهر کوبانی آغاز می‌کنند و با اشغال بیش از ۲۰ روستا در ۱۵ سپتامبر کوبانی را به محاصره‌ی کامل درمی‌آورند.

در ۱۴ اکتبر مزدوران "دولت اسلامی" شهر کوبانی را با سلاح‌های شیمیائی مورد تهاجم قرار می‌دهند و در همین روز یگان‌های مدافع خلق، مزدوران "دولت اسلامی" را به طور کامل از شهر کوبانی اخراج می‌کنند. اما هنوز هم شهر کوبانی در محاصره‌ی مزدوران "داعش" است و مبارزین کرد نیز قهرمانانه این مزدوران را زیر آتش گرفته‌اند.

مزدوران "دولت اسلامی" از آغاز فعالیت‌های‌شان، به هر منطقه‌ای که حمله کرده‌اند، وحشیانه‌ترین رفتارها و غیرانسانی‌ترین شیوه‌ها را در مقابل مردم این مناطق به کار گرفته‌اند. از جمله این که مخالفین خود را سر بریده‌اند و یا به صلیب کشیده و یا با شکنجه به قتل رسانده‌اند و یا به طور دسته‌جمعی اعدام کرده‌اند؛ به زنان و دختران تجاوز کرده‌اند؛ اسیران را قتل‌عام کرده‌اند؛ زنان را سنگ‌سار کرده‌اند؛ منازل مسکونی شهروندان را خراب کرده و اموال‌شان را غارت کرده‌اند و یا زنان و کودکان را ربوده و به فروش رسانده‌اند.

از نظر کمی هم مهم‌ترین مشخصه‌ی این "دولت اسلامی"، حضور بیش از ۲۵۰ هزار نفر مزدور غیر سوری و غیر عراقی (با حقوق روزانه) در این جریان است.

اما یکی از ویژه‌گی‌های بسیار پراهمیت در مقاومت کوبانی، شرکت بسیاری از زنان و دختران گُرد در مبارزه‌ی مسلحانه علیه مزدوران "دولت اسلامی" است و خصوص این که یکی از فرماندهان نیروهای گُرد در کوبانی، زنی مبارز با نام نارین آفرین (میسایبدو) می‌باشد. این شرکت فعال زنان در مبارزه‌ی مسلحانه، باعث نگرانی مزدوران "دولت اسلامی" شده است. زیرا آنان بر این اعتقاد هستند که اگر به دست یک زن کشته شوند، به بهشت نخواهند رفت !!

نکته‌ی قابل‌توجه در این میان این است که مخارج عملیات "دولت اسلامی" بسیار زیاد است، اما این مخارج از خزانه‌ی دولت آمریکا پرداخت نمی‌گردد، بلکه عربستان سعودی و قطر تأمین مخارج آن را کاملن به عهده گرفته‌اند.

اما مهم‌تر از نقش عربستان سعودی و قطر، نقش ترکیه در پیش‌برد این سیاست سرمایه‌های آمریکائی است. رژیم وابسته به امپریالیسم حاکم بر ترکیه، گذشته از این که در گیرودار جنگ داخلی سوریه تقریبین تمام کارخانه‌های استان حلب در سوریه را غارت کرده و به ترکیه منتقل کرده است، نفتی را که مزدوران "دولت اسلامی" از مناطق نفت‌خیز تحت تسلط‌شان به دست می‌آورند، خریده و به اسرائیل منتقل می‌کند.

همچنین تمام راه‌های کمک‌رسانی به کوبانی را مسدود ساخته و تظاهرات اعتراضی مردم ترکیه و به خصوص گُردهای ترکیه را به شدیدترین وجهی سرکوب می‌کند به طوری که تاکنون ده‌ها نفر در این سرکوب‌ها کشته شده‌اند. رژیم دست‌نشانده‌ی حاکم بر ترکیه با ایجاد اردوگاه‌هایی در ترکیه به مزدوران "دولت اسلامی" آموزش نظامی می‌دهد.

در این میان نقش خائنانه‌ی گُردهای بارزانی در عراق نیز در ارتباط با مقاومت کوبانی غیرقابل چشم‌پوشی است. نیروهای بارزانی در گُردستان عراق علاوه بر این که هیچ کمکی به شوراهای محلی گُردنشین در سوریه نکرده و نمی‌کنند، در جریان حمله‌ی مزدوران "دولت اسلامی" به مناطق گُردنشین سوریه، با حفر خندق میان مناطق تحت تسلط خود و مناطق گُردنشین سوریه، مانع کمک‌رسانی به گُردهای سوریه شده‌اند.

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی حاکم بر ایران نیز با توجه به درگیر بودن خود با مسئله‌ی گُرد در درون مرزهای خویش و همچنین حمایتش از رژیم حاکم بر سوریه، نه تنها وضعیت کوبانی و آنچه که در آن جا رخ داده است را به طور کلی مسکوت گذاشته، بلکه به انحاء مختلف از جوشش‌ها و حمایت‌های خودبه‌خودی توده‌های ایران از کوبانی نیز ممانعت به عمل آورده است.

اما دولت آمریکا تبلیغات بسیار وسیعی را به راه انداخته است که نیروهای "دولت اسلامی" را مورد حمله قرار می‌دهد. روز دوشنبه ۲۲ سپتامبر دولت آمریکا اعلام می‌کند که برای نخستین بار مواضع نیروهای "داعش" در سوریه را با بمب و موشک مورد هدف قرار داده است.

از آن جایی که مزدوران "دولت اسلامی" پیش‌برنده‌ی سیاست‌های سرمایه‌های آمریکائی در این منطقه هستند، سرمایه‌های اتحادیه‌ی اروپا نیز از زمینه‌ای که این تبلیغات دولت آمریکا ایجاد کرده است، استفاده می‌کنند و تصمیم می‌گیرند که علیه "دولت اسلامی" وارد عمل بشوند. به همین خاطر سرمایه‌های آمریکائی در ۲۴ سپتامبر توسط عوامل‌شان در الجزائر سر یک گروگان فرانسوی را از تن جدا می‌کنند تا به سرمایه‌های اروپائی هشدار بدهند که علیه "دولت اسلامی" عملیاتی انجام ندهند. با این حال روز پنج‌شنبه ۲۵ سپتامبر هواپیماهای فرانسه یک انبار مهمات این گروه را در شمال شرق عراق بمباران می‌کنند.

پنتاگون طی انتشار بیانیه‌ای اعلام می‌کند که با حداقل ۱۰ پرواز در روز تاکنون بیش از ۶۰۰ پرواز هوائی داشته و ۳۰۰ نفر از مزدوران "دولت اسلامی" را از میان برداشته است. اما واقعیت‌های موجود بیان‌گر این امر است که تمام این بمباران‌های بی اثر که در گستره‌ی بیابان‌ها صورت می‌گیرد به خاطر این است که مانع کمک‌رسانی ارتش سوریه به مردم کوبانی بشود.

در این میان، گزارشات رسانه‌های امپریالیستی هم تامل‌ناک از این است که گویا "داعش" برای کنترل نوار مرزی با ترکیه و یا به دست‌آوردن معبر مرزی با ترکیه است که درصدد تصرف کوبانی است. در حالی که، مبارزین گُرد در حال دفاع از خودمختاری و مناسبات دمکراتیکی هستند که در این مناطق ایجاد کرده‌اند و چون تمام این‌ها در تضاد با منافع سرمایه‌های امپریالیستی است، مزدوران "داعش" نیز به عنوان سگ‌های زنجیری این سرمایه‌های امپریالیستی به آنان حمله‌ور شده‌اند تا این مناسبات دمکراتیک را نابود سازند.

یکی از نکات مهم و آموزنده‌ی مقاومت کوبانی خصوصاً برای جنبش کمونیستی ایران، سازماندهی و تسلیح توده‌های خلق است. مبارزه‌ی مسلحانه در گُردستان ایران هیچ‌گاه، حتا زمانی که بسیاری از شهرها و روستاهای گُردستان تحت تسلط نیروهای انقلابی بود، نتوانست منتهی به چنین سازماندهی مسلحانه‌ی توده‌ای گردد. چرایی این موضوع، جدا از سرکوب‌های رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و همچنین درک‌های غلطی که بر

نیروهای بومی گُردستان ایران حاکم بوده و متأسفانه همچنان نیز حاکم است، از یک سو برمی‌گردد به غلبه‌ی نگرش‌های اپورتونیستی و رویزیونیستی بر جنبش کمونیستی ایران و ضدیت با اندیشه‌ی انقلابی مبارزه‌ی مسلحانه و از سوی دیگر به عدم درک صحیح و کاربست این تئوری انقلابی در عمل از سوی تشکلات مدعی اعتقاد به آن.

جالب توجه است که بسیاری از همین‌هائی که امروز به وجد آمده و در حمایت و تشویق مبارزه‌ی انقلابی کوبانی هزاران اطلاعیه و بیانیه و شعر و مقاله نوشته و سر می‌دهند، همان‌هائی هستند که تا همین امروز نیز همه‌ی توان و چنته‌ی خالی خویش را در نفی تئوری مبارزه‌ی مسلحانه در ایران به کار بسته‌اند و افراد و سازمان‌های منتسب به این دیدگاه را با برچسب‌های نامربوط ماجراجو، جدا از توده و بسیاری القاب دیگر مورد تقییح و سرزنش قرار داده‌اند. اینان غافل از آنند که سازماندهی مسلحانه‌ی توده‌ها در کوبانی ثمره‌ی سال‌ها مبارزه‌ی مسلحانه‌ی پیشاهنگان آنان است.

گرچه مبارزه‌ی انقلابی کوبانی خصوصاً به لحاظ کیفی هنوز جای رشد و پالایش و تعالی هر چه بیش‌تر را دارد، اما بایستی اذعان نمود که اینک سرود جاری تاریخ یک‌بار دیگر با تجلی اراده‌ی خلق یعنی کارگران و زحمتکشان در کوبانی طنین‌افکن شده است و بر این امر اجتناب‌ناپذیر در عصر امپریالیسم تأکید دارد که تنها راه رهائی و رسیدن به آزادی خلق‌های تحت‌سلطه، مبارزه‌ی مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک است!

**سرمقاله‌ی نشریه‌ی پیام سیاهگل، ارگان سازمان ۱۹ بهمن، شماره‌ی ۲۴، آبان ۱۳۹۳**

---

**بازگشت**